خوابی که روزی را کم می کند!

زمان ها، در گشادی و تنگی روزنه رزق آدمیان موثرند!
برخی خواب ها رزق را پس می‌زنند!
باورتان می شود عدم مدیریت زمان خواب، می‌تواند خفت رزق مقدر ما را سفت کند؟
باورتان می شود گرفتن ناخن در زمانی خاص(جمعه)، می‌تواند سبد رزق مادی و معنوی ما را پر و پیمان کند؟!
خواب خواب است اما اگر زمان خواب، درست مدیریت نشود، مسیر رزق مقسوم آدمی را مسدود می کند.
خواب قیلوله، خواب بین الطلوعین، چه فرقی دارند با هم؟
چرا حضرات معصومین- درود خدا بر ایشان- نسبت به هر دو زمان حساس بودند. در یکی حتما بیدار بودند و در یکی، اگر می توانستند می خوابیدند.
سر مساله، در این نکته باریک تر ز مو نهفته است که در پاره ای از آنات، وقایعی در ملکوت عالم دنیا به وقوع می پیوندد که در سعه و ضیق روزی انسان نقش دارد.
این سخن در نگاه نخست، اگر نگوییم خرافی، اندکی غیرواقعی می نُماید. اما واقعیت این است که در گردونه گیتی، قوانین پیدا و ناپیدایی بسیاری است که بدون اجازه من و شما در متن زندگی ما جاری می شوند.
شاید هیچ وزیر بهداشتی، علت کثرت مرگ ناگهانی را در شیوع فحشاء، رصد نکند اما صادق مصدق که از غیب خبر داده، این دو پدیده را موثر بر هم و متاثر از هم می داند که فرموده است: اذا ظهر الزنا من بعدی کثر موت الفجاء[تحف العقول، ص ۸۵ ح ۱۲۷].
دانستن یا ندانستن این قوانین، لطمه ای به ماهیت قانون و سنت تغییرناپذیر چرخه هستی نمی زند.
دانش دنیا، هنوز به کنه کثیری از این حقایق راه نیافته است. اما آیا هر چه به تور دانش دین شکار نشود محکوم به عدم است؟
چه ارتباطی است بین بیداری در "بین الطوعین" و "توسعه رزق"؟
نمی دانیم اما چون از نص و نقل(آیات و روایات) سند مستند و حجت موجه در دست داریم، پس مثل برخی روشنفکرمآب‌ها، یکسره، اوراق حقیقت را به آب انکار نمی‌شوییم. بیش از این، بسط کلام ندهم در مقدمه این مقال. بگذارید یکسره بروم سراغ اصل سخن. نخست آیتی بیاورم برایتان از قرآن و در ذیلش روایتی از معصوم. تا کام جانتان شکربار شود از شهد این معارف ناب.
در کریمه چهارم سوره مبارکه ذاریات می خوانیم: «سوگند به کسانی که کارها را تقسیم می‌کنند».
با خواندن این آیه، بی درنگ این سوال در ذهن و زبان آدمی نقش می بندد که براستی تقسیم کنندگان امور کیانند؟
اتفاقا ابن الکواء، آن خوارج معروف که در تاریخ مشهور است به طرح سوالات مبهم، همین سوال را از محضر امیر اهل ایمان پرسید.
حضرتش فرمود: منظور فرشتگان الهی اند.
این سوال و جواب را مرحوم امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان آورده است.(ج۹، ص۲۳۰)
اما این فرشتگان الهی مقسم و مامور انجام چه کاری هستند؟
جواب این سوالات را با علم بشری نمی توان داد. پس ناگزیر باید رفت سراغ زلال چشمه هایی که به یم بی کرانه علم خدا راه دارند. پیشوایان پاک.
صاحب تفسیر روایی البرهان، در ذیل تفسیر این شریفه، روایتی آورده است از امام به حق ناطق، حضرت صادق-درود خدا بر وی- بدین نقل:
قَالَ الصَّادِقُ (ع)، فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: فَالْمُقَسِّماتِ أَمْراً، قَالَ: «الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِی آدَمَ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَی طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نَامَ فِیمَا بَیْنَهُمَا نَامَ عَنْ رِزْقِه».
در این حدیث گفته شده است که این فرشتگان، ارزاق آدمیان را از طلوع فجر تا طلوع خورشید در میان ابنای بشر تقسیم و توزیع می کنند. هر کس در این وقت شریف، خواب بماند، روزی از کف او خواهد رفت.
همچنین اهل تفسیر در ذیل آیه ۵۷ سوره بقره «و أَنْزَلْنا عَلَیْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوی؛ و ما بر شما من و سلوی فروفرستادیم» گفته اند: زمان نزول این دو مائده آسمانی، بین الطلوعین بوده است. بین الطلوعین همان زمانی است که فضای آسمان به اصطلاح عوام، گرگ و میش است یعنی حدودا تا یک ساعت و نیم پس از اذان صبح.
همینطور در ذیل آیه: وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْكارِ؛ پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و ستایشگر پروردگارت در شامگاهان و بامدادان باش.(غافر، آیه ۵۵) در تفاسیر آمده است که مقصود از «الإبکار» همان بین الطلوعین است.(مجمع البیان، ج۸، ص۸۲۱) مجامع روایی را اگر بنگرید انبوهی حدیث دربار خواهید یافت در فضایل بیداری بین الطلوعین. آنچه گفته شد تنها مشتی است نمونه خروار. شاید روزی دانش بشر به اسرار این زمان پی برد تا آن روز تنها یک راه برای کشف این حقیقت وجود دارد و آن اینکه، انسان پا در میدان تجربه بنهد تا نتایج و آثار عینی اش را لمس کند.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۵۹

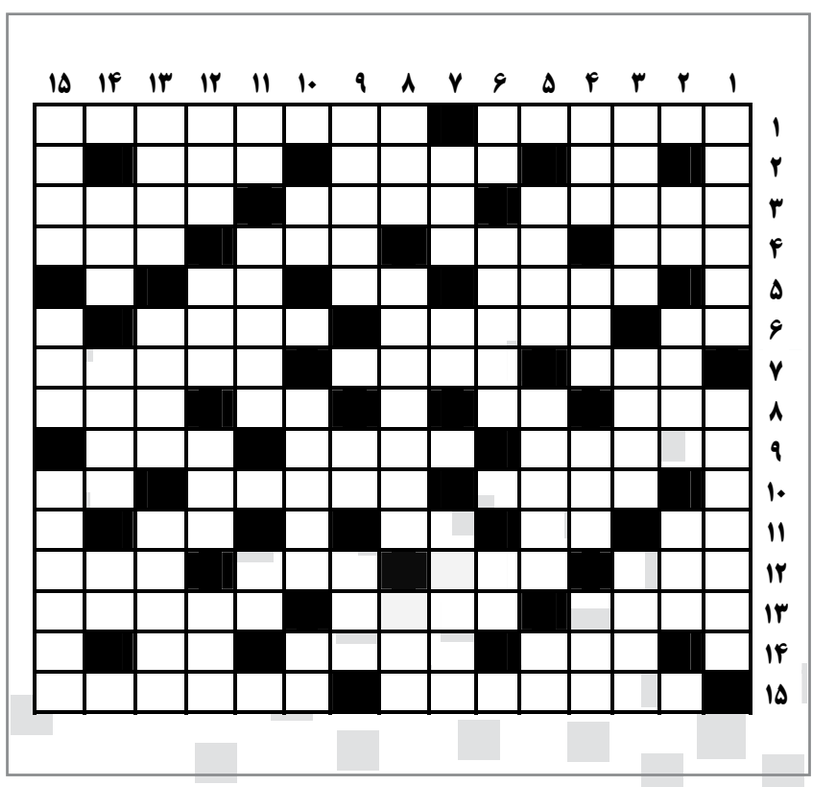

افقی:
۱-هم وزن- کوهی در شمال شیراز
۲-از بازی‌های کودکانه- گوژ- خانه
۳-نویسندگی- روستایی در غرب شیراز- سلام
۴-آسانی- قاتل درخت- پشت- چاهی در قیامت
۵-کمک- با افسوس همراه است- درخت زبان گنجشک
۶-مذکر- صفتی برای اسب مطیع- شهر شعیب پیامبر
۷-اجتماع اسلامی- فرشته خارجی- جمع شرور
۸-حمامی تاریخی- فلز خجالتی- رأس- منگ
۹-مردود گردیدن- قبر- از بیماری‌های تنفسی
۱۰-چپ- مردان حق- عدد فوتبالی
۱۱-نوعی کاغذ بهادار- بندگی- تلخ- دهان توهین‌آمیز
۱۲-رود مرزی- وسط- زنگ کاروان- خبز
۱۳-درخشنده و پرتو دهنده- پاییز- از نمایندگان فارس در مجلس
۱۴-ضمیر اشاره به نزدیک- سیاهرگ- علامت مفعول بی‌واسطه
۱۵-از کشورهای اروپایی و زادگاه اسکندر- مقابل
عمودی:
۱-کره اسب ماده- از پدیده‌های طبیعی ناشی از خشکسالی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۵۸

۲-کافی- رهبر و پیشرو- چه کسی را
۳-قطعی برای کتاب- در مطب دکتر کار می‌کند- به کباب کوبیده می‌زنند
۴-از شهرهای باستانی در منطقه بین‌النهرین- هنر خارجی- پس از غذا می‌خورند- در چنین روزی شادباش می‌گویند
۵-النگو- القاب و حمد و ستایش‌ها- جدید
۶-تر- گیاهی ترش مزه- گرم نیست
۷-کلک- ضمیر اشاره به دور- گوشه‌نشین
۸-جای اسم می‌نشیند- به جا آورنده احترام- پاسخ مثبت
۹-از توابع فارس- مایه حیات- جن زده
۱۰-حرارت بالای بدن- از درجات سپاهی- مروارید
۱۱-تکخال- پشت سر هم به لهجه شیرازی- سقف دهان
۱۲-از نژادهای اصیل ایرانی- مار می‌زند- غربال آشپزخانه‌ای- گندم آسیاب شده
۱۳-برعکس- گل پاییزی- اندیشه
۱۴-مرکز اتریش- اشاره- یکصد مترمربع
۱۵-از یک زبان بهتر است- ساختمان بلند- از پدیده‌های جوی

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۳۳

7	6				2			4
9	8	4			1			
		2	9			6		
	3	7		5		1		
	2			6			3	
		5		1		4	7	
		3			6	9		
			3			7	4	2
8			7				6	1

جواب جدول شماره ۹۴/۲۳۲

4	9	6	1	5	8	7	3	2
8	3	7	2	6	4	5	9	1
5	1	2	7	9	3	4	6	8
6	2	5	4	3	7	8	1	9
3	8	9	6	1	5	2	4	7
7	4	1	8	2	9	6	5	3
1	5	8	3	7	6	9	2	4
9	7	3	5	4	2	1	8	6
2	6	4	9	8	1	3	7	5

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.
تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.
اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره اعلی

در این آیه به این تعبیر فرمود که ما نسیان را از تو برداشتیم: سنقرئک فلا تنسی و اینجا بود که اصلاً یک تغییر حالتی در پیغمبر اکرم(ص) از نظر حافظه پیدا شد که دیگر اصلاً این حرف‌ها نبود.
اگر وحی نازل می‌شد، یک سوره بزرگ مثل سوره بقره یا سوره مائده- که از آخرین سوره‌هایی است که بر پیغمبر اکرم(ص) نازل شده و یکجا هم نازل شده- از اول تا آخرش یک مرتبه نازل می‌شد نقش قلب مقدس پیغمبر اکرم بود و همه آن را بدون اینکه یک ذره و یک حرف کم و زیاد بشود [دریافت می‌کرد؛] یعنی بعد از نزول این آیه این اعجاز در وجود پیغمبر صورت گرفت.
فرمود: سنقرئک فلا تنسی ما عن قریب، به زودی تو را اینچنین می‌سازیم، تو را چنان قاری قرار می‌دهیم که دیگر اصلاً فراموش نکنی. بعد کلمه‌ای دارد: الا ما شاء الله مگر آنچه خدا بخواهد. این کلمه در قرآن در جای دیگر هم تکرار شده. هر جا که خدای متعال یک امری [و چیزی می‌دهد و] تضمین می‌کند و هرگز هم نمی‌گیرد «ما شاء الله» را باقی می‌گذارد.
این برای آن است که مردم بدانند اگر خدا چیزی را تضمین کرد معنایش اجبار نیست که خدا دیگر غیر از این نمی‌تواند باشد؛ یعنی باز مشیت ما محفوظ است. چنین نیست که بعد از این ما هم اگر بخواهیم تو نسیان داشته باشی تو نسیان نداری، بلکه ما اگر بخواهیم تو نسیان خواهی داشت ولی ما نخواهیم خواست.
و لذا ظاهراً حضرت صادق(ع) می‌فرماید خداوند هیچ وقت نخواست که او دیگر فراموشی داشته باشد، هیچ وقت هم او دیگر فراموش نکرد.
انه یعلم الجهر و ما یخفی خدای تو، خدای عالم، هم آشکار را می‌داند و هم پنهان را، از او چیزی مخفی نیست، که این در آیات دیگر قرآن هم آمده است. بعد می‌فرماید: و نیسرک للیسری. این آیه شروع به اصل مطلب است. قبلاً فرمود: نام خدا را به یگانگی یاد کن، با نام خدا اعلای خالق مسوی مقدر هادی هیچ نامی را قرار نده. از نظر وحی هم خاطرت جمع باشد که دیگر فراموشی برای تو پیدا نخواهد شد؛ بعد می‌فرماید: و نیسرک للیسری ما تو را آمده و میسر خواهیم کرد، نه برای تو [آسان می‌کنیم] بلکه تو را چنین خواهیم ساخت که آسان‌ترین راه‌ها را برای تبلیغ و برای دعوت مردم به کار ببری که مردم این دعوت تو را بپذیرند.
***
بسم الله الرحمن الرحیم. سنقرئک فلا تنسی. الا ما شاء الله انه یعلم الجهر و ما یخفی. و نیسرک للیسری. فذکر ان نفعت الذکری. سیذکر من یخشی. و یتجنبها الاشقی. الذی یصلی النار الکبری. ثم لا یموت فیها و لا یحیی.
قسمت اول سوره مبارکه سبح اسم را در جلسه پیش تفسیر کردیم. قسمت دومش از این آیه شروع می‌شود که قبلاً مقدار کمی از آن را بیان کردیم، حالا خلاصه آن را عرض می‌کنیم باقی‌اش را به تفصیل. بعد از امر به تسبیح (به همان معنا که در جلسه پیش عرض شد) می‌فرماید: سنقرئک فلا تنسی. ما تو را اقراء خواهیم کرد، قاری خواهیم گردانید به طوری که فراموش نکنی یا فراموش نخواهی کرد. اول کلمه «نقرئک» را معنی بکنیم. نقرئک از ماده «قرائت» است. یک وقت می‌گویند که قرا یقرا یعنی قرائت کرد و قرائت می‌کند. نقرا یعنی ما قرائت می‌کنیم. ولی نقرئ معمولاً در جایی گفته می‌شود که یک کسی که وارد و عالم است می‌خواهد دیگری را قاری کامل و صحیح بکند، مثل معلمین قرائت. الآن هم در زبان عربی جدید معلمین قرآن را یعنی کسانی که به دیگران قرائت صحیح قرآن می‌آموزند مقرئ یا مقری می‌گویند، یعنی استاد و معلم قرائت، و در واقع مقصود این است: کسی که دیگران را قاری می‌سازد، قاری ساز. این کلمه «قاری» هم توجه داشته باشیم که در معنی اولی لغت و در زبان عربی رایج با اصطلاح فارسی خیلی فرق می‌کند. در زبان فارسی اگر به کسی بگوییم «قاری» یعنی مرده‌خور.
وقتی می‌گویند فلان شخص قاری است یعنی کسی که در مجالس ختم می‌آید غلط یا درست یک قرآنی می‌خواند و یک پولی می‌گیرد یا سر جنازه مرده‌ها می‌نشیند قرائت می‌کند؛ در صورتی که قارئ یعنی کسی که قرآن را صحیح می‌داند. و صحیح می‌خواند، کسی که علم قرائت و قرائت صحیح را می‌داند. آن وقت مقرئ یعنی کسی که قارئ می‌سازد، قاری ساز است.
گفتیم وقتی که آیات قرآن به وسیله جبرئیل امین بر پیغمبر اکرم(ص) وحی می‌شد رسول اکرم کوشش داشت در حالی که اینها را می‌گیرد، نگه دارد؛ وحی است، امانت الهی است، کوشش داشت آنچه را که می‌گیرد فراموش نکند و لهذا گاهی وحی که نازل می‌شد هنوز وحی به پایان نرسیده شروع می‌کرد به جمله‌ها را تکرار کردن برای اینکه در خاطرش خوب ثبت شود.
دو سه آیه نازل شد- که از جمله این آیه است- که خدای متعال تضمین کرد، فرمود تکرار نکن، زبانت در حین وحی حرکت نکند، ما تو را قارئ واقعی و صحیح قرآن می‌سازیم، ما مقری تو خواهیم بود یعنی ما تصرف تکوینی در تو می‌کنیم به طوری که آیات قرآن در ذهن تو آنچنان نقش ببندد که فراموشی در تو راه پیدا نکند.
و لهذا از این به بعد هر چه آیه قرآن نازل می‌شد خود به خود ثبت ذهن پیغمبر اکرم(ص) بود گو اینکه گاهی یک سوره بزرگ یعنی سوره‌هایی که از یک جزء بیشتر است- مثل سوره مائده- یکجا نازل می‌شد و دیگر مسئله نسیان مطرح نبود. این آیه نیز می‌فرماید ما تو را آنچنان قارئ و تالی قرآن می‌سازیم که فراموشی در تو راه پیدا نکند.